

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده  
شهر - اسن - المان

## خزانِ عمر

من امشب همچو شمع ، پیراهن از اشکی به تن دارم  
به آتش سوختن یارب ، ز هجرانِ وطن دارم  
بیادِ باغ و بستانش ، چو بلبل دور از گلشن  
به صحرای جنون ، بس نغمه هائی از چمن دارم  
گلِ امیدِ من پرپر ، به شاخِ آرزو ، آخر  
به دل داغِ جفا از جورِ هر زاغ و زغن دارم  
مفاصل آب و ، مو خاکستری و ، چشم ، نابینا  
کمان پشت و ، تنِ لرزان و مثنی بر دهن دارم  
جدایم ساخت از گلبن ، فلک چون برگِ پائیزی  
چرا؟ جا در دلِ هر گلرخِ سیمین بدن دارم  
نفس در تنگنای سینه پر حسرتم امشب  
حدیثِ عشق میخواند که دل ، پُر از شجن دارم  
حریری پیکری در خاطر ، بس جلوه ها دارد  
که در محرابِ ابرویش ، عبادت بر وثن دارم  
شنیدم آیه ای کز مصحفِ حُسنی که میفرمود  
(من امشب در صفای خوبِ چشمانت وطن دارم)

خزان آمد ، بهار آرزوی پر گل و برگت  
( زهم پاشید و من در خویش عطر صد چمن دارم )  
مشو نومید ای « نعمت » نظر در باغ میهن کن  
به شاخ آرزو ، گلهای یأس و نسترن دارم